

## اثر بخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع آبادی بر مهارت‌های کار آفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر

پریسا حریری<sup>۱</sup>، دکتر کاترین فکری<sup>۲\*</sup> و حجت الله فانی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اثر بخشی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع آبادی بر مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی مدرسه شاهد ناحیه ۳ شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شد. به این صورت که پس از اجرای پرسش‌نامه مهارت‌های کارآفرینی فکری، شفیع آبادی، نورانی پور و احقر (۱۳۹۱) و پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی TISS از بین دانش‌آموزانی که نمره‌ای کم‌تر در پرسش‌نامه گرفته بودند، ۴۰ نفر به تصادف انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۰ نفری جایگزین شدند. سپس گروه آزمایش بر اساس الگوی چند محوری به مدت ۸ جلسه ۱/۵ ساعته آموزش مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دریافت کردند و در گروه گواه هیچ مداخله‌ای انجام نگرفت. داده‌های بدست آمده با استفاده از روش تحلیل کوواریانس مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که بین مهارت‌های کارآفرینی (خرده مقیاس های مهارت‌های فردی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کاربردی، مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقانه) و مهارت‌های اجتماعی دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنادار وجود دارد، یعنی مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی چند محوری شفیع آبادی موجب افزایش مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مشاوره شغلی، الگوی چند محوری ( شفیع آبادی)، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های اجتماعی.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

۲- استادیار گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

\*- نویسنده مسئول مقاله: Katrin\_fekri@miau.ac.ir

## پیشگفتار

امروزه چالش‌های اشتغال یکی از مسائل مهم اجتماعی بشمار می‌آید و آموزش کارآفرینی می‌تواند راهکاری ارزشمند برای ایجاد تفکر کارآفرینی و اشتغال افراد جامعه باشد (Agha Zadeh, 2010, Quoted from Zabih & Moghadasi, 2005, Reza Zadeh, &). کارآفرینی از دو واژه کار و آفرینی تشکیل شده است. کار از نظر راهنمایی شغلی فعالیتی نسبتاً دائمی است که تولید کالا یا خدمتی را به همراه دارد و برای آن دستمزدی پرداخت می‌شود. کارآفرینی از ریشه فعل آفریدن مشتق شده است پس کارآفرینی یعنی ایجاد موقعیت‌ها و فرصت‌های انجام دادن کار (Shafiabady, 2013). کارآفرینی فرآیند شناخت و دستیابی به فرصت‌ها بدون توجه به کمبود منابع موجود و خلق محصول یا خدمتی نوین است (Timmons, 1990, Quoted from Fekri & Shafiabady, 2013). آموزش کارآفرینی دو حیطه آموزش مهارت‌ها و رفتار کارآفرینانه را در بر می‌گیرد. مهارت‌ها مقدار تبحری هستند که افراد برای انجام موفقیت‌آمیز کاری با تکرار و تمرین کسب کرده‌اند. با توجه به این که کمبود مهارت‌های کارآفرینی باعث عدم بروز رفتار کارآفرینانه می‌شود، آموزش مهارت‌های کارآفرینی در سنین نوجوانی برای بروز رفتار کارآفرینانه در هنگام انتخاب شغل از اولویتی ویژه برخوردار است. آموزش و پرورش به موازات وظایف تخصصی خود، آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان را در راستای کار خود قرار داده است. بنابراین، ایجاد روحیه و مهارت‌های کارآفرینی از وظایفی است که باید به آن پرداخته شود. راهنمایی شغلی کمک به فرد است در انتخاب شغلی متناسب با استعداد، علایق و تجربیات خود به گونه‌ای که نیازهای او را ارضا کند و موجب بهبود وضع جامعه شود. با این وجود، از نظریه‌های انتخاب شغل برای آموزش کارآفرینی کم‌تر استفاده شده است. در حالی که استفاده از نظریه‌های مشاوره شغلی بویژه الگوهای بومی می‌تواند نقشی مهم در کمک به اشتغال نوجوانان و پرورش مهارت‌های کارآفرینی داشته باشد. الگوی چند محوری شفیع آبادی یک الگوی مشاوره شغلی بومی است که برپنج مفهوم پویایی، هدفمندی، خویشتن‌پنداری، نیازها و تصمیم‌گیری در انتخاب شغل تاکید دارد. پویایی در انتخاب شغل مبین تحرک، تغییرپذیری، خلاقیت، و شادابی است. انسان افزون بر جستجوی شغل باید در جهت یادگیری ویژگی‌های مشاغل تلاش کند و برای موفقیت در بازار کار به گونه مستمر بر دانش‌ها و مهارت‌های شغلی خود بیفزاید. هدفمندی انتخاب شغل به معنای آن است که انسان از راه اشتغال در صدد است از احساس حقارت و وابستگی به دیگران رها شود و احساس برتری و استقلال کند و به ایجاد و توسعه روابط اجتماعی مطلوب با اطرافیان بپردازد. خویشتن‌پنداری تا حدود زیادی تعیین‌کننده چگونگی رفتار و قضاوتی است که فرد در زمینه‌های موفقیت یا شکست، ارزش‌ها، توانایی‌ها یا ضعف‌ها، اهمیت و اعتبار یا بی اعتباری فردی دارد. نیازهای فرد به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی. نیازها یکی از ابعاد شیوه زندگی و

نیز یکی از عوامل تعیین کننده نوع رفتار می‌باشد. تصمیم‌گیری فرایندی خلاق و پویا و فعال است که در جهت ارضای نیازها و نیل به هدف‌ها با توجه به خویشتن‌پنداری فرد انجام می‌پذیرد (Shafiabady, 2013). بنابراین، به نظر می‌رسد که این الگو با مفاهیم بنیادی اش قابلیت خوبی برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی دارد. مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که فرد را قادر به تعامل موثر و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب نموده و بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد هستند. این مهارت‌ها ریشه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی داشته و شامل مهارت‌هایی نظیر مهارت‌های اجتماعی آغازین، مهارت‌های اجتماعی پیشرفته، مهارت‌های مربوط به احساس، مهارت‌های جایگزین پرخاشگری، مهارت‌های رویارویی با فشار، مهارت‌های برنامه‌ریزی است. خانواده و نهادهای اجتماعی دیگر مانند مدرسه مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن بشمار می‌آیند که در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بررسی می‌شوند (Kartlaj& Milbrn, tanslate,1985, translated by Mohammad Hossein Nazari Nejad,1996). ما در دنیای پیچیده و دشواری زندگی می‌کنیم و لازم است برای موفقیت و پیشرفت در این دنیا و مقابله موثر با بسیاری از مشکلاتی که رو در روی ما قرار می‌گیرند، مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی را بدست آوریم. درست به همین دلیل است که هم فضای آموزش و پرورش و مدرسه و هم افرادی که در این محیط‌ها فعالیت می‌کنند از جمله مهم‌ترین فضاها می‌باشد. پژوهش‌هایی که در مورد زنان سرپرست خانوار و دانشجویان به وسیله فکری، شفیع آبادی، نورانی پور واحقر (Fekri,Shafiabady,Nooranipour, & Ahghar, 2011 & 2012-B&C) انجام شده، نشان داده که الگوی چند محوری شفیع آبادی در افزایش مهارت‌های کارآفرینی موثر است. همچنین، پژوهش‌های فکری، شفیع آبادی، رفاهی و زابلی (Fekri, Shafiabady, Refahi& zaboli, 2014,A& B) در مورد دانشجویان نشان داده است که الگوی چند محوری شفیع آبادی قادر است مهارت‌های ۴ گانه کارآفرینی را یعنی مهارت‌های بین فردی، فردی، کاربردی و فکری را افزایش دهد. دوبینز و همکاران (Dobbins & etal, 2010) در پژوهشی که در مورد دانشجویان یک دانشگاه انجام دادند، دانشجویان را به دو گروه تقسیم کردند: گروهی که آموزش مهارت‌های اجتماعی دریافت کردند و گروهی که از آموزش مهارت‌های اجتماعی محروم بودند پس از پایان بررسی مشخص شد که دانشجویانی که مورد آموزش بودند، از نظر رفتاری و تحصیلی در وضعیتی بهتر قرار داشتند. ین وو و همکاران (Yenwu, Feng, 2010) در پژوهشی که در مورد دانشجویان تایوانی انجام دادند، مشاهده کردند که آموزش مهارت‌های زندگی باعث پیشرفت در رفتارهای اجتماعی و همچنین، بهبود وضعیت اجتماعی آنها در آینده شده است. بیکر و همکاران (Bakker & etal, 2010) در پژوهشی که روی دختران و پسران در سنین ۱۱ سالگی انجام دادند مشاهده کردند که اگر کودکان مورد آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار نگیرند، بعدها در زندگی در رابطه با مدیریت

استرس و مهارت‌های خود کنترلی و پختگی فیزیکی و رفتاری و مهارت‌های حل مسئله دچار مشکل خواهند شد، لذا بر آموزش این گونه مهارت‌ها از دوران کودکی تاکید فراوان دارند. شکوهی یکتا و همکاران (Shekoochi yekta & etal, 2013) در پژوهشی در مورد دانش‌آموزان ابتدایی مشاهده کردند که برنامه حل مسئله شناختی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی و مهارت حل مسئله بین فردی دانش‌آموزان تاثیر معناداری دارد و لزوم آموزش مهارت‌های حل مسئله به عنوان اثر بخشی از برنامه‌های درسی مدارس و تاثیر آن بر رفتارهای کودکان و عملکرد تحصیلی آن‌ها را مورد بحث قرار دادند. در پژوهش شاهرخی و همکاران (Shahrokhi & etal, 2013) با عنوان تاثیر آموزش یادگیری مشارکتی بر مقدار مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در دو گروه آزمایش و کنترل دریافتند که این آموزش‌ها در مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تاثیر بسزا دارد و اجرای این گونه مداخلات باعث افزایش مهارت‌های اجتماعی آن‌ها می‌شود. مرادی و شریفی درآمدی (Moradi & Sarifidaramadi, 2013) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش چند رسانه‌ای بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در شهر تهران دریافتند که دانش‌آموزانی که در گروه آزمایش قرار داشتند از نظر رشد مهارت‌های اجتماعی در سطحی بالاتر نسبت به گروه کنترل قرار داشتند و نتایج حاکی از این بود که آموزش چند رسانه‌ای باعث بهبود مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان شده است. در مجموع و با توجه به آنچه گفته شد و بر مبنای یافته‌های پژوهشی که به گونه مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با این پژوهش انجام شده است، می‌توان گفت: در شرایطی که نسبت شایان توجهی از نیروی جوان و تحصیل کرده کشور از نعمت اشتغال محرومند و بر اولویت ایجاد کار در مقایسه با سایر فعالیت‌های دولت نیز در سطوح گوناگون تاکید شده است، نیاز به شناسایی و پرورش افراد کارآفرین و عوامل موثر در تقویت کارآفرینی از جمله مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های کارآفرینی بیش از پیش ضرورت می‌یابد، ولی پژوهش‌های ذکر شده در مورد دانشجویان انجام گرفته و هنوز پژوهشی بر مبنای این الگوی بومی مشاوره شغلی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی در مدارس انجام نشده است. بنابراین، این پژوهش با هدف رفع خلایق موجود به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است: آیا الگوی چند محوری شفیع آبادی بر مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی موثر است و نتایجش در طول زمان پایدار است؟

## ابزار و روش

روش پژوهش نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری تمامی دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی مدرسه شاهد ناحیه ۳ شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بودند که در کل ۱۱۲ نفر می‌شدند. ابتدا پرسش‌نامه در بین کل جامعه آماری پخش شد و

از بین دانش‌آموزانی که در پرسش‌نامه مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی نمره‌ای کم‌تر گرفته بودند، به صورت تصادفی تعداد ۴۰ دانش‌آموز انتخاب شدند و به تصادف در دو گروه ۲۰ نفری آزمایش و گواه جایگزین شدند. کل آزمودنی‌های گروه گواه و آزمایش دختر، ۱۴ ساله و ۱۰ و ۱۹ ساله و ۱۰ درصد از آنها پسر بودند. افزون بر این، ۹۰ درصد اعضای هریک از گروه‌ها دارای معدل بالای ۱۹ و ۱۰ درصد دارای معدل زیر ۱۹ بودند. در این پژوهش از پرسش‌نامه مهارت‌های کارآفرینی فکری، شفیع آبادی، نورانی پور و احقر (۱۳۹۱) استفاده شد. این پرسش‌نامه حاوی ۲۰ پرسش است و مهارت‌های کارآفرینی را در ۴ زیر مقیاس می‌سنجد که به ترتیب عبارتند از: زیر مقیاس بین فردی، مهارت‌های فردی، مهارت‌های و مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقانه. روایی محتوایی این آزمون به وسیله کارشناسان بالا ارزیابی شده بود و اعتبارش با اجرا در مورد ۵۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از راه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شده بود. اعتبار این پرسش‌نامه در این پژوهش نیز پس از اجرا در مورد دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی از راه محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی و برای پرسش‌نامه مهارت‌های کارآفرینی (۰/۷۱) و مهارت‌های اجتماعی (۰/۷۳) مناسب شناخته شد. پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی ایندربیتزن و فوستر<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) حاوی ۳۹ عبارت ۵ گزینه‌ای که آزمودنی پاسخ خود را در مورد هر عبارت در دامنه‌ای از گزینه‌های اصلا صدق نمی‌کند تا همیشه صدق می‌کند ابراز می‌نماید. اعتبار این پرسش‌نامه به وسیله ایندربیتزن و فوستر (۱۹۹۲) ۰/۹۰ گزارش شده است. پایایی این پرسش‌نامه را امینی (۱۳۷۸) در شهر تهران برای دانش‌آموزان دختر دوم راهنمایی برای گزاره‌های مثبت و منفی به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۶۸ گزارش کرده است. برای بخش مثبت این پرسش‌نامه ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و برای بخش منفی ضریب پایایی ۰/۵۱ بدست آمده است (دوران، ۱۳۸۰). ارجمندی (۱۳۸۳) با استفاده از آلفای کرونباخ پایایی این پرسش‌نامه را ۰/۸۴ بدست آورده است. در مرحله بعد گروه آزمایش ۱۱ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی براساس الگوی چند محوری شفیع آبادی دریافت کردند و در گروه گواه هیچ مداخله‌ای انجام نگرفت. در پایان داده‌ها با آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

## یافته‌ها

**فرضیه نخست:** الگوی چند محوری شفیع آبادی بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی تاثیر معنادار دارد.

<sup>1</sup> -H.Inderbizen & Foster

جدول ۱- آزمون F لوین گروه آزمایش و کنترل متغیر ابعاد مهارت های کارآفرینی دانش آموزان دختر.

مقدار F	درجه آزادی گروه df آزمایش	درجه آزادی اول گروه df کنترل	سطح معناداری (sig)	
۰/۱۱۵	۱	۳۸	۰/۷۳۶	مهارت های کار آفرینی
۰/۰۳۶	۱	۳۸	۰/۸۵	مهارت های بین فردی
۰/۰۹۱	۱	۳۸	۰/۷۶۴	مهارت های فردی
۲/۳۹	۱	۳۸	۰/۰۶	مهارت های کاربردی
۰/۰۴۳	۱	۳۸	۰/۸۳۶	مهارت های تفکر انتقادی
۰/۱۳۸	۱	۳۸	۲/۳	مهارت های اجتماعی

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می شود، در نمره های کل مهارت های کارآفرینی و خرده مقیاس های آن، سطوح معناداری محاسبه شده F لوین از ۰/۰۵ بزرگ تر است لذا فرض صفر F لوین در این نمره ها تایید می شود، یعنی واریانس های دو گروه در این نمره ها با هم برابرند و می توان از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده کرد.

جدول ۲- تحلیل کوواریانس گروه آزمایش کنترل متغیر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر.

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجزورات	آماره ی آزمون F	سطح معناداری (sig)	اتا (Eta)	توان آماری
مهارت‌های کارآفرینی	اثر پیش آزمون	۴/۴۹	۱	۴/۴۹	۰/۲۹۹	۰/۵۸۸	۰/۰۰۹	۰/۰۸۳
	اثر متغیر مستقل	۵۰۷۸/۸۷	۱	۵۰۷۸/۸۷	۳۴۰/۱	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۱
	خطا	۴۹۲/۸	۳۲	۱۴/۹۳				
	کل تصحیح شده	۶۲۴۴/۹۷	۳۹					
مهارت‌های بین فردی	اثر پیش آزمون	۳/۲۱۵	۱	۳/۲۱۵	۲/۰۱	۰/۱۳۲	۰/۱۳	۰/۵۸
	اثر متغیر مستقل	۴۴۷/۰۹	۱	۴۴۷/۰۹	۵۳۷/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۹۴	۱
	خطا	۲۷/۴۳	۳۲	۰/۸۳۱				
	کل تصحیح شده	۶۲۴۴	۳۹					
مهارت‌های فردی	اثر پیش آزمون	۰/۰۳۴	۱	۰/۰۳۴	۰/۰۲۳	۰/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۰۵۳
	اثر متغیر مستقل	۳۶۲/۱۳	۱	۳۶۲/۱۳	۲۴۹/۲۸	۰/۰۰۱	۰/۸۸	۱
	خطا	۴۷/۹۳	۳۲	۱/۴۵				
	کل تصحیح شده	۴۴۷/۳۷	۳۹					
مهارت‌های کاربردی	اثر پیش آزمون	۳/۰۹	۱	۳/۰۹	۱/۰۶	۰/۳۱	۰/۰۳	۰/۱۷

۱	۰/۶۴	۰/۰۰۱	۶۰/۰۴	۱۷۴/۲۳	۱	۱۷۴/۲۳	اثر متغیر مستقل	
				۲/۹	۳۲	۹۵/۷۵	خطا	
					۳۹	۲۹۹/۷۷	کل تصحیح شده	
۱۱	۰/۰۱	۰/۴۵	۰/۵۸	۰/۷۷	۱	۰/۷۷	اثر پیش آزمون	
۱	۰/۸۸	۰/۰۰۱	۲۵۰/۲۹	۳۲۰/۱۳	۱	۳۲۰/۱۳	اثر متغیر مستقل	مهارت های تفکر انتقادی
				۱/۲۷	۳۲	۴۲/۲	خطا	
					۳۹	۴۲۹/۶	کل تصحیح شده	
۱	۰/۷۳	۰/۰۰۱	۸۹/۰۷	۳۷۸/۱۹	۱	۳۷۸/۱۹	اثر پیش آزمون	
۱	۰/۹۹	۰/۰۰۱	۷۲۵۰/۶۴	۳۰۷۸۳/۹۷	۱	۳۰۷۸۳/۹۷	اثر متغیر مستقل	مهارت های اجتماعی
				۴/۲۴	۳۲	۱۳۵/۸۶	خطا	
					۳۹	۳۸۲۳۸/۷۷	کل تصحیح شده	

به استناد جدول ۲ خلاصه محاسبات اثرات بین آزمودنی های کل مهارت های کارآفرینی و با در نظر داشتن مقدار خطا ( تفاوت های فردی ) و با کنترل نمره های پیش آزمون سطح معناداری ( $P=۰/۰۰۱$ ) بدست آمده از اثر متغیر مستقل، از خطای ۰/۰۵ کوچک تر است. در نتیجه، می توان گفت الگوی چند محوری شفیع آبادی بر نمره کل مهارت های کارآفرینی دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی و ابعاد مهارت های بین فردی، فردی، کاربردی و تفکر انتقادی و خلاقانه کارآفرینی و مهارت های اجتماعی اثر دارد و فرض صفر پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ درصد رد می شود. مقدار تاثیر کنترل شده نمره های پیش آزمون بر پس آزمون مهارت های اجتماعی ۷۳ درصد است که این مقدار



از تاثیر متغیر مستقل بر نمره‌های مهارت‌های اجتماعی (۹۹ درصد) کم‌تر است. هم‌چنین، توان آماری ۱ است. به بیان دیگر، ۱۰۰ درصد احتمال خطای نوع نخست وجود ندارد. فرضیه دوم: اثر بخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیق آبادی بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در طول زمان پایدار است.

جدول ۳- آزمون F لوین گروه آزمایش و کنترل متغیر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان دختر (در مرحله پیگیری).

مقدار F	درجه آزادی گروه آزمایش df	درجه آزادی اول گروه کنترل df	سطح معناداری (sig)	
۰/۱۳۹	۱	۳۸	۰/۷۱۱	مهارت‌های کار آفرینی
۲/۸۱۳	۱	۳۸	۰/۰۸۵	مهارت‌های بین فردی
۲/۸۷۹	۱	۳۸	۰/۰۸۲	مهارت‌های فردی
۰/۷۲۸	۱	۳۸	۰/۳۹۹	مهارت‌های کاربردی
۰/۳۷۰	۱	۳۸	۰/۵۴۷	مهارت‌های تفکر انتقادی
۰/۶۵۸	۱	۳۸	۰/۱۹۹	مهارت‌های اجتماعی

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در نمره‌های کل مهارت‌های کارآفرینی و ابعاد آن، سطوح معناداری محاسبه شده F لوین از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است. لذا، فرض صفر F لوین در این نمره‌ها تایید می‌شود، یعنی واریانس‌های دو گروه در این نمره‌ها با هم برابرند و می‌توان از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کرد.

جدول ۴- تحلیل کوواریانس گروه آزمایش و کنترل متغیر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر راهنمایی (در مرحله پیگیری).

متغیرهای وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری (sig)	اتا Eta ( )	توان آماری
مهارت‌های کارآفرینی	اثر پیش آزمون	۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	۰/۱۵۳	۰/۶۹۸	۰/۰۰۴	۰/۰۶۷
	اثر متغیر مستقل	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	۰/۲۳	۰/۶۳۱	۰/۰۰۷	۰/۰۷۶
	خطا	۷/۶۹	۳۴	۰/۲۲۶				
	کل تصحیح شده	۶۲۰۷/۷۷	۳۹					
مهارت‌های بین فردی	اثر پیش آزمون	۰/۴۵۸	۱	۰/۴۵۸	۰/۷۹۵	۰/۳۷۹	۰/۰۲۳	۰/۱۴
	اثر متغیر مستقل	۰/۶۰۷	۱	۰/۶۰۷	۱/۵۲	۰/۳۲۱	۰/۰۳	۰/۱۶۹
	خطا	۱۹/۵۹	۳۴	۰/۵۷۶				
	کل تصحیح شده	۶۵۷/۶	۳۹					
مهارت‌های فردی	اثر پیش آزمون	۰/۳۲۰	۱	۰/۳۲۰	۰/۰۰۱	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵
	اثر متغیر مستقل	۰/۰۰۴	۱	۰/۰۰۴	۰/۰۸	۰/۷۶۸	۰/۰۰۳	۰/۰۶
	خطا	۱/۷۲	۳۴	۰/۰۵۱				
	کل تصحیح شده	۴۳۵/۷۷	۳۹					
مهارت‌های کاربردی	اثر پیش آزمون	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۳۷	۰/۸۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۵۴
	اثر متغیر مستقل	۰/۰۰۷	۱	۰/۰۰۷	۰/۱۳۴	۰/۷۱۷	۰/۰۰۴	۰/۰۶۰

					۰/۰۴۹	۳۴	۱/۵۶	خطا	
								کل	
						۳۹	۲۹۵/۳۷	تصحیح شده	
					۰/۰۲۱	۱	۰/۰۲۱	اثر پیش	
					۰/۰۷۱			آزمون	
					۰/۰۰۶				
					۰/۰۰۷	۱	۰/۰۰۷	اثر متغیر	
					۰/۰۵			مستقل	مهارت‌های تفکر
					۰/۱۰۹	۳۴	۳/۷۱	خطا	انتقادی
								کل	
						۳۹	۴۴۵/۹	تصحیح شده	
					۰/۹۸۸	۱	۰/۹۸۸	اثر پیش	
					۰/۲۵			آزمون	
					۰/۰۵				
					۰/۴۲۲	۱	۰/۴۲۲	اثر متغیر	
					۰/۰۸			مستقل	مهارت‌های
					۱/۴۹	۳۳	۴۹/۱۷	خطا	اجتماعی
								کل	
						۳۹	۳۷۸۲۹/۳۷	تصحیح شده	

به استناد جدول ۴ با در نظر داشتن مقدار خطا ( تفاوت های فردی ) در نمره کل مهارت‌های کار آفرینی ابعاد آن و مهارت‌های اجتماعی سطوح معناداری بدست آمده همگی از خطای ۰/۰۵ بزرگ‌ترند و از لحاظ آماری معنادار نیستند که می‌توان گفت اثر بخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع آبادی بر مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان و ابعاد مهارت‌های بین فردی، فردی، کاربردی و تفکر انتقادی و خلاقانه کارآفرینی و مهارت‌های اجتماعی در طول زمان پایدار است و فرض صفر پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ درصد تایید می‌شود. مقدار سطح معناداری به ترتیب ۰/۶۳۱، ۰/۳۲۱، ۰/۷۶۸، ۰/۷۱۷، ۰/۸۰۴ و ۰/۵۹۸ گزارش شده است .

### بحث و نتیجه گیری

فرضیه: الگوی چند محوری شفیع آبادی بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی تاثیر معنادار دارد. نتایج نشان دادند که الگوی چند محوری شفیع آبادی بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی ( بین فردی، فردی،

کاربردی و تفکر انتقادی و خلاقانه) و مهارت‌های اجتماعی تاثیر معنادار دارد. این یافته‌ها با یافته‌های فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور، و احقر (۲۰۱۱) در مورد زنان سرپرست خانوار و فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر (2012-B & C) در مورد دانشجویان و فکری، شفیع‌آبادی، رفاهی و زابلی (2014- A& B) در مورد دانشجویان همخوان است. با توجه به بومی‌بودن الگوی چند محوری و جدید و محدود بودن پژوهش‌های انجام شده در زمینه کارآفرینی بر اساس آن علت اثر بخشی الگوی چند محوری را بر مهارت‌های کارآفرینی را بیش‌تر از این که در پیشینه پژوهش‌ها بتوان جستجو کرد می‌توان به ترکیب ۵ محور پویایی، هدفمندی، خویشتن‌پنداری، نیازها و تصمیم‌گیری در این الگو و بسته طراحی شده فکری و شفیع‌آبادی (Fekri & Shafiabady, 2014) برای آموزش کارآفرینی بر اساس مفاهیم الگوی چند محوری شفیع‌آبادی که در این پژوهش بکار گرفته شده، نسبت داد زیرا در این الگو و بسته آموزشی طراحی شده محور پویایی به معنای تحرک، تغییر پذیری، خلاقیت و شادابی و به روز کردن داده‌ها درباره شغل در آموزش مهارت‌های اداره تغییرات و دور اندیشی از راه به روز کردن داده‌های شغلی و در آموزش مهارت مقابله با تعلل از راه تحرک، تغییر پذیری، خلاقیت و بروز کردن داده‌های شغلی مورد استفاده قرار گرفته است. محور هدفمندی به معنای رهایی از احساس حقارت و رسیدن به استقلال از راه شغل در آموزش مهارت شناخت فرصت‌ها با هدف رهایی از احساس حقارت و در آموزش مهارت برنامه‌ریزی با هدف رسیدن به استقلال شغلی بکار رفته است. محور خویشتن‌پنداری به معنای تصور و پندار شخص از خود مورد تاکید قرار گرفته و با افزایش خویشتن‌پنداری مثبت به ارتقاء اعتماد به نفس و در نتیجه افزایش مهارت ریسک‌پذیری و هم‌چنین، به نسبت دادن شکست به عوامل بیرونی به جای درونی و در نتیجه افزایش مهارت رویارویی مناسب با شکست کمک کرده است. از سوی دیگر، ارتباط خویشتن‌پنداری و تاثیر مثبت و بسزای آن در برقراری ارتباط اجتماعی با افراد در زمینه‌های گوناگون زندگی شغلی و اجتماعی و خانوادگی افراد می‌توان اشاره کرد. همان‌گونه که تحقی (Fazli and Ghahar Ahangi Kalae, 2014) نشان داده است، خود رهبری در پرورش کارآفرینی نقش دارد. خود رهبری نگرشی استراتژیک و ابتکاری به توسعه خود است که باعث می‌شود فرد ابزارهای دائمی برای دستیابی به منابع درونی و بیرونی بیش‌تر جهت هدایت مسیر زندگی خود داشته باشد. این فرایند از این فرضیه علمی نشأت می‌گیرد که ما انسان‌ها درصد کمی از توانایی مغزمان را استفاده می‌کنیم و با افزایش آگاهی و تمرکز می‌توانیم ظرفیت‌های بیش‌تری از خود بروز دهیم. یکی از ابعاد خود رهبری داشتن درک از خود است، یعنی فرد چه تصویری از خود دارد. درک درست از خود روی نوع رفتار موثر است. داشتن تصویر مثبت از خود به هدف‌گذاری شخصی بالاتر و در نتیجه، ارتقای استانداردهای رفتاری شخصی می‌انجامد. بنابراین، الگوی چند محوری با تاکید بر محور خویشتن‌پنداری مثبت و تقویت آن نقشی مهم در توسعه خود رهبری و کارآفرینی ایجاد

می‌کند. محور نیازها به معنای نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی در انتخاب شغل است. بنابراین، می‌تواند در شناخت مهارت‌های ضروری مورد نیاز برای حرکت در مسیر کارآفرینی از جمله مهارت‌های بازاریابی، مهارت نوشتن طرح کسب و کار و مهارت‌های ارتباطی و در نتیجه برنامه ریزی برای تقویت آن‌ها موثر باشد. در همین جا باید اشاره کرد در نخستین جلسه آموزشی کار را با آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان شروع شده کرده و اهمیت این مهارت که شامل گوش دادن فعال، گفتگو، درک باورهای دیگران، تحمل فشار، تقاضای همکاری، برنامه ریزی و خویشتن‌پنداری و .... در ارتباط موثر توضیح داده شد. تصمیم‌گیری به معنای شناخت مشکل شغلی، گردآوری داده‌ها، انتخاب راه‌حل‌های گوناگون، تحلیل و تلفیق راه‌حل‌ها و در نتیجه، انتخاب راهکار نهایی است. بنابراین، می‌تواند در تقویت تفکر خلاق از راه توجه به انتخاب راه‌حل‌های متعدد و در تقویت تفکر انتقادی از راه توجه به تحلیل داده‌ها موثر باشد. همان گونه که نتایج پژوهش عاکف (Akef, 2014) نشان می‌دهد، خلاقیت به معنای توانایی فرد برای تولید تفکرات، بینش‌ها و کارهای تازه و اثربخش که کاربرد عملی، اجتماعی و اقتصادی بالایی داشته باشند، معرفی گردیده و نداشتن اعتماد به نفس و عادات پیشین مانع بروز آن است. بنابراین، الگوی چند محوری شفیع‌آبادی با تاکید بر محور خویشتن‌پنداری و تقویت آن موجب تقویت اعتماد به نفس و افزایش خلاقیت که لازمه کارآفرینی است، می‌گردد. هم‌چنین، محور پویایی با ایجاد تغییر در رفتار افراد موجب کاهش حفظ عادت‌های نامناسب و جمود فکری می‌شود که مانع بروز خلاقیت می‌گردند.

**فرضیه دوم:** اثربخشی الگوی چندمحوری شفیع‌آبادی بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی (شامل مهارت‌های فردی، بین فردی، کاربردی و تفکر انتقادی و خلاقانه) دانش‌آموزان دختر سوم راهنمایی شاهد در طول زمان متفاوت است. نتایج نشان دادند که تاثیر الگوی چند محوری شفیع‌آبادی بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی (بین فردی، فردی، کاربردی و تفکر انتقادی و خلاقانه) در طول زمان پایدار است. این نتایج با یافته‌های فکری، شفیع‌آبادی، نورانی پور و احقر (B - ۲۰۱۲) و فکری، شفیع‌آبادی، رفاهی و زابلی (۱۳۹۲- ب) هم‌خوان است. علت پایداری اثر بخشی الگوی چند محوری شفیع‌آبادی را بر ابعاد مهارت‌های کارآفرینی می‌توان به ماهیت ۵ محور بنیادی آن و تاکید این محورها بر فرد به جای محیط نسبت داد زیرا موفقیت بهره‌گیری از محور پویایی به معنای تحرک، تغییر پذیری، خلاقیت و شادابی و به روز کردن داده‌های ارتباط مستقیم با تکرار و تمرین دارد و زمانی که فردی بر اثر تکرار و تمرین پویا و فعال می‌شود به راحتی و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند مگر این که مدت‌های طولانی تکرار و تمرین و به روز کردن داده‌ها را رها کند. هم‌چنین، زمانی که فردی اهداف روشنی برای خودش ترسیم و برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کند، به راحتی این اهداف و برنامه‌ریزی را تغییر نمی‌دهد مگر این که تجارب و داده‌هایی بسیار متفاوت را با

آنچه بر اساسش تصمیم‌گیری کرده بدست بیاورد که آن‌هم نیازمند گذشت زمان بسیار طولانی است. از سوی دیگر، هنگامی که فردی اعتماد به نفسش بالا می‌رود و دیدی مثبت نسبت به توانمندی‌های خودش بدست آورد، به راحتی این دید مثبت تغییر پیدا نمی‌کند مگر تجارب متعددی از شکست و ناکامی داشته باشد تا حدی که از راه مهارت‌های مقابله با شکست آموخته شده هم نتواند با آن‌ها کنار بیاید که چنین تجربه‌ای برای افراد به راحتی رخ نمی‌دهد. بویژه آن‌که آن‌ها آموزش دیدند که شکست‌هایشان را به عوامل بیرونی و نه درونی نسبت دهند و توانمندی‌هایشان را شناختند و پذیرفتند. هم‌چنین، فردی که مهارت‌های مورد نیاز برای کارش را شناسایی و کسب می‌کند به راحتی آن‌ها را از دست نمی‌دهد زیرا همان گونه که در تعریف مهارت‌ها گفته شد، مهارت‌ها با تکرار و تمرین بدست می‌آیند و اثر تکرار و تمرین به راحتی از بین نمی‌رود و در نهایت، فردی که قدرت تصمیم‌گیری‌اش افزایش پیدا کرده به راحتی و با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کند زیرا او روش تصمیم‌گیری صحیح را آموخته و براساس آن می‌تواند در موارد مشابه از الگوی آموخته شده، یعنی شناسایی دقیق مسئله، گردآوری داده‌ها، انتخاب راه حل‌های متعدد با تاکید بر تفکر خلاق، تجزیه و تحلیل داده‌ها با تاکید بر تفکر انتقادی و تلفیق نتایج برای تصمیم‌گیری نهایی بهره بگیرد. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش اجرای آن در مورد گروه دانش‌آموزان سوم راهنمایی است. بنابراین، تعمیم یافته‌ها باید با دقت و انجام پژوهش‌های مشابه در مورد سایر مقاطع تحصیلی و جوامع گسترده‌تر انجام گیرد. بر اساس نتایج این پژوهش و تاثیرگذاری الگوی چند محوری شفیع آبادی بر مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی به مسئولان محترم آموزش و پرورش می‌شود از این الگوی بومی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان در اوقات فراغت آنان برای مثال در ایام تابستان از راه برگزاری کارگاه‌های آموزشی بهره بگیرند.

## سپاسگزاری

این مقاله از یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت می‌باشد. بدین وسیله از زحمات مسئولان محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت و مسئولان محترم وزارت آموزش و پرورش و مدرسه راهنمایی شاهد ناحیه ۳ شیراز تقدیر می‌شود.

## Reference

- Akef. (2014). examined the barriers to creativity and innovation in design and engineering, design and construction projects, entrepreneurship and strategic innovation annual conference, Shahid Beheshti University. PERSIAN.
- Bakker, M.P. Ormel, J. & Lindenberg, S. et al (2010) Generation of Interpersonal stress ful Events: The Role of Poor Social Skills and Early

Physical Maturation in young Adolescents - The TRAILS Study.  
<http://jea.sagepub.com>

- Dobbins, N. Higgins, K. Pierce, T. Tandy, R. & Tingahi, M. (2010). An Analysis of social Skills instruction Provided in Teacher Education and in Service Training Programs for General and Special Educators. Remedial and special education 2010, Vol 31, no 5, 308-367.

- Fazli, M.H. & Ghahar Ahangi Kalae, M. (2014). Examine the role of self-leadership in fostering organization entrepreneurship, entrepreneurship and strategic innovation annual conference, Shahid Beheshti University. Persian.

- Fekri, K. & Shafiabady, A. (2014). Application of Shafiabady's multi-axial Pattern of Vocational Choice (SMPVC) on entrepreneurial behavior and entrepreneurship skills training ,entrepreneurship and strategic innovation annual conference, Shahid Beheshti University. Persian.

-Fekri, K., Shafiabady,A., Nooranipour, R., Ahghar, GH. (2011). Enabling the family attending women through teaching entrepreneurship skills (by designing job consultancy sessions based on Shafiabadi multi-centre pattern), the national conference of family attending women, Shahid Beheshti University, PERSIAN.

-Fekri, K. Shafiabady, A. Nooranipour, R. & Ahghar, Gh. (2012-A). Preparation and validation Entrepreneurship skills questionnaire, Scientific of Journal Educational researches, 31,101-116, PERSIAN.

-Fekri, K. Shafiabady, A. Nooranipour, R. & Ahghar, Gh. (2012-B). Determine and Compare Effectiveness of entrepreneurship education Based on Multi – axial model and Theory of constraints and compromises on learning entrepreneurship skill . Procedia – Social and Behavioral Sciences Journal .69. Turkey: 566- 570.

-Fekri, K. Shafiabady, A. Nooranipour, R. & Ahghar, Gh. (2012-C). Comparison of effectiveness of Vocational counseling with shafiabady multi-axial model and Gottfredson circumscription and compromise theory on increasing Entrepreneurial behaviour and Entrepreneurship skills of the Humanities students Science and Research Branch of Tehran, Ph.D Thesis ,Islamic Azad University Science and Research branch, PERSIAN.

-Fekri, K. & Shafiabady, A. (2013). Compilation of Multi – axial Model and Social Learning Theory At Entrepreneurship Education , Advances in Environmental Biology. 7 (8). Jordan : 2013-2019.

-Fekri, K. Shafiabadi, A. Refahi, Zh, Zaboli, P. (2014-A). Comparing the Effectiveness of Vocational Counseling Based on the Shafiabady's Multi-axial Pattern of Vocational Choice (SMPVC) with Krumboltz's Social Learning Theory in Entrepreneurship Skills of the Students at Marvdasht, International Conference on Entrepreneurship: Emphasizing improvement of Business Environment ,22-23 Feb 2014, Tehran.

-Fekri, K. Shafiabadi, A. Refahi, Zh. & Zaboli, P. (2014-B). Comparison of efficacy two native and non-native multiaxial approaches on personal,

- interpersonal, and practical of entrepreneurship, Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences , Vol. 4. 940-946.
- Inderbitzen, H.M. & Foster, S.L. (1992). The Teenage Inventory of Social Skills: Development, reliability and Validity .Psychological Assessment, 4,451-459.
  - Kartlaj, G. & Milbrn, Y. (1985). Teaching social skills to children, translated by Mohammad Hossein Nazari Nejad (1996). Astan Quds Razavi Mashhad published.
  - Moradi, R. Sharifidaramadi, P. (2013). The Effectives of Multimedia Learning on Development of Student's Social Skill, 6 th International congress on Child and Adolescnt Psychiatry. PERSIAN.
  - Shafiabady, A. (2013). Guidance and Career Counseling and Theoreis of Job selection , Tehran : Roshd, PERSIAN.
  - Shahrokhi, M. Latifi, S. Hashemi, S. & Abakhti, M. (2013). The Effects of Collaborative Learning on Student's Social Skill, , 6 th International congress on Child and Adolescnt Psychiatry. PERSIAN.
  - Shekoohiyekta, M. Davaei, M. Zamani, N. Poorkarimi, j. Sharifi, A. (2013). The Effectiveness of Puppet Show on Increase Social Skill of Low Mental Girl's, 6 th International congress on Child and Adolescent Psychiatry. Persian.
  - Yenwu, C. Yuley, F. H. Loy. (2010). Social Skills Training for Taiwanese Students at Risk for Emotional and Behavioral Disorders, Journal of emotional and Behavioral Disorders vol 18, no 3, 162-177.